

## ارائه و تفسیر ادبیات با رایانه

نوشته دیوید دی. میال\*

ترجمه مینا مجمل

### چکیده

در این جستار، نویسنده با اذعان به این‌که امروزه رایانه کمتر بر جریان فعالیت‌های مربوط به متون ادبی تأثیر گذاشته و استفاده از متون ادبی رایانه‌ای هنوز به اجتماع کوچک و ویژه متحققانی محدود است که مهارت‌های فنی استفاده از این نوع متن‌ها را دارند، پیش‌بینی می‌کند که در آینده نزدیک فن‌آوری رایانه‌ای، تحوّل‌ی را در زمینه ادبیات پدید خواهد آورد. مهم‌ترین این تحولات، دسترسی رایانه‌ای به مجموعه‌ای بزرگ از متون ادبی همراه با فنون پردازش آنها و برپایی نظام‌های فرامتنی و فرارسانه‌ای خواهد بود.

در این مقاله همچنین درباره دلایل اصلی فقدان محسوس تحقیقات ادبی به یاری رایانه، از جمله ضدیت صرف با ماشین و مشخص نبودن حق مؤلف،

\* . David D. Miall, "Representing and Interpreting Literature by Computer", *The Yearbook of English Studies*, vol. 25, ed. Andrew Gurr, 1995.

به تفصیل بحث شده است. به اعتقاد نویسنده، فراهم آوردن فرامتن از طریق فن آوری رایانه‌ای لزوماً به دگرگونی اساسی نظریات پیشین درباره خواندن و مطالعه و ظهور نظریه‌ای نوین نمی‌انجامد و از این رو نمی‌توان به روشنی اظهار نظر کرد که نابودی کتاب قریب الوقوع است. نویسنده ضمن بازگویی برخی تجربه‌های دیگران، خاطرنشان می‌سازد که فرامتن با ایجاد پیش‌زمینه‌ای برای فهم ادبیات، ابزاری درخور توجه و مهم به‌شمار می‌رود. گرچه در فرامتن، شرایط ویژه‌ای برای مطالعه متون ادبی یعنی بازخوانی ثمربخش ارائه می‌شود، در این شیوه فراگیری، درباره ارتباط متقابل بین کاربر و متن ادبی سخنی به‌میان نمی‌آید. گذشته از این، در خلال کار با فرامتن، مشکلات دیگری نیز پیش روی کاربر قرار می‌گیرد که نویسنده در بخش پایانی مقاله درباره آنها بحث می‌کند.

روشن است که پدایش رایانه‌ها تا به امروز، تقریباً هیچ تأثیری بر جریان اصلی فعالیت‌های مربوط به ایجاد، مطالعه یا بررسی متون ادبی نداشته است. چنین وضعیتی ممکن است در آستانه تغییر باشد. این پیشگویی را که رایانه به دگرگونی در سرشت متون ادبی خواهد انجامید، مطمئناً پیش از این هم شنیده‌ایم. اما به نظر می‌رسد استفاده گسترده از رایانه‌های شخصی توانمند در چند سال اخیر و نقش فزاینده‌ای که این تجهیزات معروف به شاهراه‌های اطلاعاتی<sup>۱</sup> ایفا کرده‌اند (شبکه‌های میان نهادها و کشورها)، به این پیش‌بینی قوت بیشتری بخشیده است. (۱)

طرفداران این فن آوری، اخیراً بحث جدید و پرمحتوایی را آغاز کرده‌اند: نوعی فن آوری رایانه‌ای جهت مدل‌سازی<sup>۲</sup>، ارائه و پدید آوردن متون، در حال شکل‌گیری است که در آینده امکان خواهد داد این فرایندها را در حد یک گام اساسی به فعالیت‌های مطالعه‌کنندگان واقعی متون نزدیک‌تر کنیم؛ این موضوع به نوبه خود، فهم سرشت متن‌وارگی را اساساً متحول خواهد ساخت. اگر این مطلب صحت داشته باشد، تحولی

1. Electronic freeway

2. Modelling

که در آینده نزدیک در زمینه ادبیات رخ خواهد داد، در بعد ساختاری آن خواهد بود؛ مشابه آنچه که با اختراع عکاسی و فیلم در زمینه هنرهای تجسمی رخ داده است. دو تحول چشمگیری که شالوده این سناریو را تشکیل می‌دهند، عبارت‌اند از: نخست، دسترسی رایانه به مجموعه‌ای بزرگ از متون ادبی همراه با فنون آزمودن آنها (که عموماً به آن پردازش می‌گویند). دوم، برپایی نظام‌های فرامتنی<sup>۱</sup> و فرارسانه‌ای<sup>۲</sup>. من قبل از هر چیز برخی از مزایای این دو فن آوری را وصف خواهم کرد و به ارزیابی استدلال‌هایی خراهم پرداخت که اخیراً درباره اهمیت نظری آنها مطرح شده‌اند.

علی‌رغم اهمیتی که این تحولات دارند، تصور نمی‌کنم در آینده نزدیک غیر از تعدادی اندک از محققان و خوانندگان، علاقه‌ای به آنها نشان دهند. علت فقط آن نیست که همان‌طور که همگان مستحضرند - محققان ادبی غیر از واژه‌پردازی، در یادگیری و استفاده از رایانه‌ها همواره کند بوده‌اند. دلیل مهم‌تر آن است که این دانشمندان، به استثنای تعدادی اندک، به‌طور سنتی به این موضوع بی‌علاقه بوده‌اند که خوانندگان واقعی «چگونه به فهم متون ادبی نایل می‌آیند» (۲). بدین ترتیب، از آنجا که اطلاعات موثقی درباره فرایند مطالعه در دست نیست، نمی‌توان انتظار داشت در آینده‌ای نزدیک نظام‌هایی رایانه‌ای برپا شود که روند مطالعه را هوشمندانه مشابه‌سازی کنند. برخی از محققان پیش‌بینی کرده‌اند که رایانه، تغییری را در [چرخه] مطالعه به همراه خواهد آورد و نوعی کنش و واکنش با متن را ممکن می‌کند که کتاب چاپی قادر به برقراری این ارتباط نیست. اگرچه این مطلب ممکن است به واقعیت پیوندد، از آنجا که دانش ما از چگونگی سازگاری خود با مطالب چاپی متعارف، در خلال چند صد سال اخیر بسیار کم است، شاید عجولانه باشد که درباره تغییر «فعالیت انسانی ریشه‌داری» چون مطالعه خیال‌پردازی کنیم. مزایای فن آوری کتاب را که در موفقیت این رسانه بسیار مؤثر بوده است، نمی‌توان به آسانی از یاد برد. به علاوه، فن آوری‌های رایانه‌ای که در صدد توصیف

آنها هستم، گسترش چندانی نیافته و حتی بسیار کمتر در دسترس عموم قرار گرفته‌اند. این فن‌آوری‌ها هنوز راه زیادی پیش‌رو دارند تا رشد کنند و به‌صورت «داوود»ی درآیند که «گلیات» (۳) صنعت کتاب را سرنگون سازند. در بخش پایانی این مقاله، به مطلب وسیع‌تری اشاره خواهد شد که رایانه‌پردازی ادبی در آن جای داده می‌شود و احتمال و امکان وقوع این فن‌آوری‌ها در آینده ارزیابی خواهد شد.

**پردازش متن**

هر سال که می‌گذرد، بر تعداد متونی که به‌صورت قابل خواندن در رایانه در دسترس جامعه دانش‌پژوه قرار می‌گیرد، افزوده می‌شود؛ به‌عنوان نمونه، متون ادبیات انگلیسی، اکنون به‌شکلی تجارتمی توزیع می‌شوند: مؤسسه انتشارات چادویک-هیلی<sup>۱</sup> (کمبریج) به‌زودی بانک اطلاعاتی جامعی را از شعر انگلیسی کامل خواهد کرد، درحالی‌که انتشارات دانشگاه آکسفورد متون منفرد یا مجموعه‌ای از آثار نویسنده‌ای چون جین آستن<sup>۲</sup> را عرضه می‌کند. (۴) همچنین آرشیوهای متون در چندین کشور مختلف، متون را به زبان‌های گوناگون (عمدتاً اروپایی) منتشر می‌کنند. با این همه، استفاده از چنین متونی هنوز به‌طور عمده به اجتماع کوچک و ویژه محققانی محدود است که مهارت‌های فنی استفاده از متن‌های رایانه‌ای را دارند. فقدان محسوس و قابل توجه تحقیق به یاری رایانه در نشریات تحقیقی معتبر، نشانگر آن است که زمینه مذکور هنوز در حاشیه قرار دارد. (۵) همان‌طور که در این مقاله عنوان خواهد شد، برای این نبود، دلایلی وجود دارد که از پدیده لودیزم<sup>۳</sup> فراتر می‌رود؛ گرچه این ضدیت نیز در کندکردن تبدیل این زمینه به جریانی محوری تأثیر داشته است:

1. Chadwyck-Healey

2. Jane Austen

۳. Luddism: ضدیت صرف با ماشین. مترجم.

اول این که هنوز هیچ کس نمی تواند به خوانندگان توصیه کند که امکان انجام پذیری فعالیت های مطالعاتی اولیه آنها به کمک رایانه وجود دارد. احتمالاً دیری نخواهد گذشت که رایانه هایی با اندازه مناسب و آن قدر کوچک که بتوان آنها را به راحتی یک کتاب در دست نگاه داشت، با صفحاتی به روشنی و انعطاف پذیری متون چاپی متداول، ساخته شود؛ اما تعداد متونی که به شکل رایانه ای پدید آمده اند، در مقایسه با گستره متن هایی که در برنامه های درسی به زبان انگلیسی در مدرسه یا دانشگاه موجودند، هنوز بسیار کم اند. علاوه بر این، تا زمانی که بحث های موجود بر سر «حق مؤلف» به نتیجه نرسد، ناشران، متون جدیدتر را به شکل قابل خواندن در رایانه، عرضه نخواهند کرد. بدین ترتیب، تعداد متون جدیدی که به طور متعارف انتشار می یابند، هم چنان بیش از متونی است که برای خواننده شدن در رایانه رمزگذاری می شوند. فرایند «اسکن» کردن یک متن چاپی برای تبدیل آن به متن رایانه ای و غلط گیری (چون هیچ فرایند «اسکن» کردنی، بی نقص نیست) نیز بسیار گران تمام می شود؛ بیش از صد ساعت تلاش سخت لازم است تا نسخه ای از یک رمان با حجم متوسط، آن چنان که مورد قبول و قابل خواندن برای رایانه باشد، تولید شود. اگرچه متون اصیل ادبی، از شکسپیر گرفته تا ویرجینیا ولف<sup>۱</sup>، به تدریج به صورت رایانه ای در می آیند، اما در مورد متن های ادبی درجه دوم این اتفاق رخ نمی دهد. کتاب ها و مجلات انتقادی، به استثنای معدودی که به صورت رایانه ای ارائه می شوند (که به هر حال، مجله هایی جدید هستند، نه نسخه های رایانه ای مجلاتی جاافتاده، مانند *ELH* یا *Critical Inquiry*) هنوز منحصرأ به صورت کتاب هستند. این مانع بر سر راه پیشرفت که به دلیل محافظه کاری ناشران و محدودیت های «حق مؤلف» است، هیچ نشانی از افول ندارد.

با فرض وجود رایانه ای قابل حمل و نرم افزاری که به خوبی در آن تعییبه شده باشد، هیچ دلیل اساسی وجود ندارد که فعالیت های اصلی مطالعاتی ما، به محض به بازار آمدن

نسخه‌های رایانه‌ای بیش از کتاب‌های موجود، به‌جای کتاب از روی صفحه رایانه صورت نگیرد. البته این موضوع برای درج مطالب ادبی و بهره‌گیری از یک نظم نگارشی، ضروری نیست. در حال حاضر، برگردان فیزیکی متن بر صفحه رایانه و به‌کارگیری رایانه برای بازنمایی فرایند مطالعه به شیوه‌ای معنی‌دار و ارتقادهنده، خلأیی قابل توجه است که نباید دست‌کم گرفته شود. بنابراین، عمده‌ترین کاربرد متون رایانه‌ای، در امر تحقیق است. ولی در این‌جا دشواری مهمی خودنمایی می‌کند که هم پیامدهای عملی و هم پیامدهای نظری دارد:

اولاً منابع نرم‌افزاری برای مطالعه متن رایانه‌ای، نسبتاً به‌شکل ابتدایی باقی می‌مانند: خلأ موجود بین آنچه خوانندگان می‌توانند بدون زحمت انجام دهند و نقشی که رایانه در این راستا ممکن است داشته باشد، هنوز خیلی عظیم است. محققانی که به استفاده از رایانه در مقام یک ابزار کمکی تحقیقاتی علاقه‌مندند، به محدودی از عملیات رایانه‌ای محدود می‌شوند؛ عملیاتی که هنوز از جریان اصلی فعالیت تحقیقاتی ادبی بسیار دور است. علاوه بر این، هرگونه مطالعه تحقیقاتی باید، کم و بیش، ابزار خاص خود را از منابع قابل دسترس تأمین کند. با آن‌که برخی از ابزارهای پردازش متن به حد استاندارد درآمده‌اند و راحت‌تر در دسترس قرار دارند (۶)، موانعی سخت وجود دارد که با امکانات رایانه‌ای موجود رفع نمی‌شوند. بنابراین، بسیاری از محققان، وقت خود را یا صرف نوشتن برنامه‌های ویژه رایانه‌ای می‌کنند که پردازشی خاص انجام دهند، یا نسخه‌های رایانه‌ای رمزگذاری را از متنی که می‌خواهند مطالعه کنند، به‌گونه‌ای خاص، پدید می‌آورند (یا هر دو)؛ به طوری که دامنه‌ای مشخص از ویژگی‌های متنی، برای بررسی از بقیه جدا شود. سرشت این تحقیق به این معنا است که تقریباً هیچ نرم‌افزار موجود یا رمزگذاری‌شده استاندارد برای انجام یک مطالعه جدی کافی نخواهد بود و تا وقتی که تحولی چشمگیر در درک ما از مطالعه و چگونگی بازنمایی فرایندهای تشکیل‌دهنده آن در یک رایانه صورت نگیرد، نمی‌تواند کافی باشد. اجرای چنین

تحقیقی، مستلزم نوعی خاص از احساس تعهد و از خودگذشتگی است؛ زیرا نتایج در این گونه موارد، نه به سرعت حاصل می‌شوند و نه اغلب می‌توانند خیلی آسان به جامعه وسیع‌تر علمی انتقال یابند، آن‌هم در جایی که به‌ندرت به زمینه‌هایی علمی چون زبان‌شناسی رایانه‌ای<sup>۱</sup> و آمار<sup>۲</sup> (که علوم زیربنایی این مطالعات هستند) علاقه نشان می‌دهند و یا در جایی که نشریات مهم در برابر این بحث‌های ناآشنا پذیرشی از خود نشان نمی‌دهند.

«ویلی ون پی‌یر»<sup>۳</sup> در پردازش روش‌های کنونی متن، به مسئله‌ای اساسی اشاره کرده است که عمدتاً با تحدید حوزه معنایی واژگان<sup>۴</sup> سر و کار دارد (ویلی ون پی‌یر ۱۹۸۹: ۳۰۱-۷). این تحدید حوزه معنایی واژگان که با پردازش متن عرضه می‌شود، تنها برای روش‌های نسبتاً ابتدایی امکان دارد. تناوب حضور کلمه در متن، مجموعه‌ها یا ویژگی‌های سبکی خاص، اطلاعات ناچیزی درباره کیفیت ادبی متن به دست می‌دهد؛ زیرا این جنبه‌های متن تنها در بافتی وسیع‌تر (بزرگ‌تر) و پیوسته در حال تغییر که از طریق فرایند مطالعه ایجاد می‌شود، معنا پیدا می‌کنند. متن به عنوان یک پدیده (سازواره‌ای از لغات) با متن به عنوان وسیله‌ای ارتباطی (ارتباط متقابل خواننده با متن) کاملاً تفاوت دارد. همان‌طور که ون پی‌یر می‌گوید، دقیقاً در جریان تبدیل و کاهش ویژگی‌های متن به حوزه‌های معنایی محدود لغات است که ویژگی‌های اساساً فرایندی آنها به شکل برگشت‌ناپذیری از دست می‌رود. یا آن‌طور که عموماً بیان می‌کند، با عطف توجه به آنچه که می‌تواند به عدد درآید، فرایند معنا دار بودن قبل از آن که پردازش صورت گیرد، حذف شده است (ص ۳۰۲). نقش زبان استعاری در ادبیات، نمونه‌ای محوری در این قضیه است. هنوز هیچ الگوریتم شناخته‌شده رایانه‌ای قادر به تشخیص معنی مجازی از حقیقی (یا طنز و ابهام) نشده است. اما روش‌های رایانه‌ای که نمی‌توانند معنای چندگانه لغات را

1. Computational linguistics

2. Statistics

3. Willie Van Peer

4. Counting weords

به حساب آورند، یکی از شاخص‌های اصلی را که نشانگر ادبی بودن متن مورد مطالعه است، کنار می‌گذارند. ون پی اشاره می‌کند که بدین ترتیب هرچه بازنمایی متن با رایانه آسان‌تر باشد، آن متن از بار ادبی کمتری برخوردار است (صص ۳۰۴-۳۰۵). با این‌که امکان رمزگذاری متن طوری که رایانه قادر به شناسایی معنی استعاری آن باشد، وجود دارد و می‌توان آن را به‌عنوان اساس پردازش رایانه‌ای در نظر گرفت، با این کار فقط ابزار استاندارد تحقیق از صفحه کاغذ به صفحه رایانه انتقال داده می‌شود با این امید که سرعت و دقت از این طریق افزایش یابد؛ هرچند که این روش هنوز به معنی واقعی رایانه‌ای نیست و نقش زبان استعاری در تولید معنا با رایانه بازنمایی نشده است.

بحث این نیست که روش‌های پردازش رایانه‌ای، محلی از اعراب ندارند. برای آن‌که خلاف این امر ثابت شود، برخی بررسی‌های چشمگیر انجام شده است؛ مانند: تحلیلی که «اوکمن»<sup>۱</sup> به سبک شعری «کارلایل»<sup>۲</sup> انجام داده است و بررسی «باروز»<sup>۳</sup> روی لهجه‌های فردی شخصیت‌های موجود در رمان‌های «جین آستن» (رابرت ال. اوکمن ۱۹۸۵: ۲۸۵-۲۷۷ جی. اف. باروز ۱۹۸۷). بحث این است که هیچ جابه‌جایی چشمگیری در درک نظری ما از تحقیقات ادبی با استفاده از روش‌های رایانه‌ای صورت نگرفته است و این وضعیت مادام که درکی صحیح‌تر و دقیق‌تر از فرایندهای شناختی انسان و خصوصاً فرایند مطالعه متون ادبی صورت نپذیرد، ادامه خواهد داشت. بنابراین، ادعاهایی مبنی بر قریب‌الوقوع بودن دنیایی رایانه‌ای که در آن، درک ادبیات اساساً متحول خواهد شد، در سایه توانایی‌های فنی بسیار ابتدایی ما در حال حاضر، هنوز خیلی ناپخته و حتی گمراه‌کننده است. در این ادعاها پیچیدگی‌های درگیری خواننده با متن جدی گرفته نمی‌شود. (۷)

الگوهای متعددی از فرایند خواندن متنی ادبی در ادبیات نظری وجود دارد. در هر

1. Robert L. Oakman

2. Thomas Carlyle

3. J. F. Burrows

حال، تجربه اندکی که به دست آمده است، نشان می‌دهد که خواندن شعر یا رمان از یک ویژگی محوری برخوردار است. این ویژگی، فرایندی انتقالی است که در آن آنچه خواننده می‌داند یا حس می‌کند، دستخوش تغییری در روند خواندن می‌شود. (۸) این مسئله با انواع دیگر مطالعه، در تقابل قرار می‌گیرد. از مقاله‌های روزنامه گرفته تا کتابچه‌های راهنما را - که عموماً متون اطلاعاتی هستند - می‌توان به‌دقت با رایانه شبیه‌سازی کرد (گری ام. اولسون، رابرت ال. مک و سوزان. دافی ۱۹۸۱: ۲۸۳-۳۱۵) این نظام فرامتنی خاص، با زیررود کردن عناصر متن و ایجاد پیوند با مطلب مربوط به آن، خواننده را قادر می‌سازد که دیدگاه خود را در زمینه مورد نظر گسترش دهد. بدین ترتیب، یک متن ادبی ممکن است با متون تکمیلی متعدد احاطه شود که شناخت و درک خواننده را از آن بالا برد. اما این فرایندی نیست که به‌درد خواندن متون نوع اول بخورد.

عمل مطالعه متن ادبی، شامل سلسله‌ای از موضوعات مختلف است. در مطالعه متن‌های ادبی، رموزی عمده وجود دارد که ناشی از تجارب و احساسات فردی خواننده است (به‌علاوه مجموعه‌ای از مهارت‌های پیچیده‌تر ادبی که برای تشخیص ساختار و نوع‌های خاص ادبیات است). این امر، شبیه‌سازی به‌وسیله هر روش رایانه‌ای موجود را غیرممکن می‌سازد. اگرچه شواهدی مبنی بر این‌که ویژگی‌های ادبی مختلف از جمله تفاوت‌های سبکی و پرورش و هدایت ماهرانه طرح در داستان‌ها، فرایند مطالعه را به سویی می‌رانند که تا حدی قابل پیش‌بینی باشند، هنوز در هیچ‌یک از مطالعات، شواهد منظمی به‌دست نیامده است که نشان دهد مواجهه خواننده با متن ادبی، با چه عاملی مشخص می‌شود؛ زیرا این فرایند بی‌نهایت پیچیده است و ما تازه شروع کرده‌ایم پیرسیم «متغیرهای اصلی چه چیزهایی ممکن است باشد» (۹). بدین ترتیب، تا وقتی شناخت و درک بیشتری از فرایند مطالعه پیدا نکنیم، از رایانه در مقام ابزاری جهت ارائه و مطالعه متون ادبی، بهره آن‌چنانی نخواهیم برد؛ و چنانچه بخواهیم از این متون صرفاً به‌عنوان

اطلاعات استفاده کنیم، باید بسیاری از ویژگی‌های مهمی را که به متن‌ها جنبه ادبی می‌بخشند، نادیده بگیریم.

### فرامتن و پست‌مدرنیسم

آیا روزی خواهد رسید که رایانه وسیله اصلی برقراری ارتباط با متون ادبی شود؟ پاتریک کانر<sup>۱</sup>، یکی از مدافعان مطالعه ادبیات با نظام‌های رایانه‌ای، به نقل از ژنت<sup>۲</sup> می‌گوید: چگونه ادبیات در میان توسعه رسانه‌های «ارتباط جمعی» دیگر به حیات خود ادامه خواهد داد؟ [...] روزی که کتاب دیگر ابزار اساسی دانش نباشد، آیا معنای ادبیات دیگر بار تغییر نخواهد کرد؟ (پاتریک دلیو، کانر ۱۹۹۲: ۷) (۱۰) برجستگی ژنت در مقام یک تحلیلگر داستان جای بحث ندارد؛ اما پیش‌فرض‌هایی که از کار او خبر می‌دهند، ویژه‌اند و از ادامه ادعاهای جدیدتر مبنی بر درک پست‌مدرنیستی از فرامتن حکایت دارند. همان‌طور که سیس وان ریس<sup>۳</sup> به این مطلب اشاره کرده است (۱۹۸۵: ۴۶۴-۴۴۵)، توجیه ژنت از ساختارهای داستانی که او شناسایی می‌کند، بر این فرض است که ساختار داستان، واکنش خواننده را تعیین می‌کند. (۱۱) سؤال ژنت راجع به سرنوشت کتاب، این مسئله را به کلی‌ترین شکل آن مطرح می‌کند. از آنجا که شناخت ما از بوم‌شناسی فرهنگی که در آن خوانندگان و کتاب‌ها برهم‌کنش متقابل دارند (از جمله واکنش خواننده در برابر کتاب در مقام شیئی فیزیکی)، بسیار محدود است، نمی‌توانیم درباره قریب‌الوقوع بودن اضمحلال کتاب به روشنی اظهار نظر کنیم.

کانر در مقاله‌ای که با نقل قولی از ژنت آغاز می‌شود، بین فرهنگ گفتاری و فرهنگ نوشتاری تمایز قائل می‌شود و می‌گوید: پیدایش فرامتن، به احیای نظام محاوره‌ای نوشتاری اشاره دارد. آن‌طور که در فرهنگ کتاب معمول است، یکپارچگی و

1. Patrick Connor

2. Genette

3. Cees J. Van Rees

خودبسنده‌گی متن دیگر محفوظ نمی‌ماند. خواهیم دید که مفهوم زبان‌شناختی<sup>۱</sup> که ویژه کتاب است، جایش را به مفهوم نشانه‌شناختی<sup>۲</sup> می‌دهد؛ درست شبیه آنچه در قرون وسطی تحت تأثیر فن‌آوری چاپ از میان رفت. کانر توضیح می‌دهد که مفهوم زبان‌شناختی [...]، امکانات ارجاعی فوق‌العاده‌ای را که خصوصیت مفهوم نشانه‌شناختی است، به حداقل می‌رساند (پاتریک دبلیو. کانر ۱۹۹۲: ۱۰)؛ و آنچه به وجود می‌آورد، «معنای و بیان متون صریح در مقایسه با معانی و بیان متون استعاری است» (ص ۱۱).

کانر، در مفهوم نشانه‌شناختی، فرض را بر این می‌گذارد که خواندن خواننده به شکل منظم صورت نمی‌گیرد. وی می‌افزاید: «بدین ترتیب، فرامتن یکی از راههای کاهش کنترل نویسنده روی خواننده است» (ص ۱۲) یعنی رها ساختن خواننده از محدودیت‌های خطی بودن متن‌های چاپی.

منشأ این مفاهیم در خصوص متون چاپی، متفکران پسا ساختارگرا هستند. تمایزی که «رولان بارت» اغلب بین متن نوشتنی و خواندنی قائل می‌شود، راهی مانوس برای درک این تفاوت ارائه می‌کند (رولان بارت ۱۹۷۵: ۵). فرامتن را می‌توان نمونه‌مثالی به‌هنگام از متنی نوشتنی دانست که در آن معانی، آشکارا در طول پیوندها و در عرض مجموعه‌ای از متون گسترده شده‌اند؛ و در این نوع متن، خواننده امکان می‌یابد تا خود، معانی را از طریق راه‌های مختلف موجود دریابد. برخلاف بارت که فقط اظهار می‌دارد این دو نوع متن از یکدیگر متمایزند، طرفداران فرامتن، کتاب را نیز تخلفی از سرشت حقیقی «متن‌وارگی» می‌دانند. همان‌طور که کانر اشاره می‌کند: از آنجا که متن در قالب کتاب عرضه می‌شود، با توجه به محتوای هر مطلب، محدودیت‌هایی فیزیکی ایجاد می‌کند که همیشه با اصل متن هماهنگی ندارد (پاتریک دبلیو. کانر ۱۹۹۲: ۲۰). بنابراین فرامتن، آن‌چنان که از عنوان مقاله او برمی‌آید، از واپسین روزهای کتاب خبر می‌دهد.

مزیت‌های بالقوه فرامتن به‌عنوان ابزاری آموزشی، بی‌تردید درخور توجه است؛

هرچند که مدافعان آن، دانش ناکافی خود را که ادعاهای درازمدتشان بر آن اساس است، نادیده گرفته‌اند. در نتیجه، مسئله کشف آنچه که خواندن ادبیات را در رایانه ممکن می‌سازد نیز نادیده گرفته می‌شود و بهره واقعی از فرامتن برده نمی‌شود. مطالعه متن ادبی با مطالعه درباره ادبیات یکسان تلقی می‌شود که این به ضرر هر دو است. نمونه‌های بسیاری از نظام‌های فرامتن وجود دارند که از آزمایش سربلند بیرون آمده‌اند مانند پرسئوس<sup>۱</sup> (به منظور مطالعه فرهنگ یونان) و ایترمدیا<sup>۲</sup> (مربوط به ادبیات انگلیسی)؛ مطمئناً هر دو نمونه با ارائه روشی که هم مؤثرتر است و هم غنی‌تر، نیازهای مهمی را از نظر مطالعه در دانش تأمین می‌کنند. اما به عقیده من، این فن‌آوری رایانه‌ای، آن دگرگونی ریشه‌ای که ادعا شده است، نیست. بی‌شک نظام‌های فرامتن بیشتری در آینده نزدیک به وجود خواهد آمد (۱۲) که دانشجویان به کمک آنها و با استفاده از متون پشتیبان موجود و بازنمایی پیوندهای بینامتنی که همیشه فرامتن به شکل خاصی آن را میسر می‌سازد، ادبیات را به شیوه‌ای مؤثرتر فرا خواهند گرفت. در این باره، ضرب‌المثلی هست بدین مضمون:

اگر یک ذره‌ای برجنبد از جای  
بجنباند همه عالم سراپای  
به هر حال، مسائل روال گذشته خود را پی می‌گیرند. چه همراه شکسپیر<sup>۳</sup> در داستانی با یک قایق به سواحل افسانه‌ای «بوهم» پارو بزنیم یا با آدونیس<sup>۴</sup> شلی<sup>۵</sup> به میان طوفان برویم و چه با بیتس<sup>۶</sup> به بیزنس سفر کنیم، انتظار داریم شاگردان ما دانش مورد نیاز برای درک این متون را کسب خواهند کرد. نظام‌های فرامتن ضمن فراهم آوردن سریع‌تر و لذت‌بخش‌تر این موقعیت، کیفیت یادگیری را نیز بالا می‌برند. اما این تحول به معنای ظهور نظریه‌ای جدید برای خواندن و مطالعه نیست. همان‌گونه که ون‌پی‌یر توضیح می‌دهد، درست مانند پردازش متن که در آن با عناصر

1. Perseus

2. Intermedia

3. William Shakespeare

4. Adonais

5. P. B. Shelley

6. William Butler Yeats

فیزیکی (واژگان و برخی رابطه‌های ابتدایی) سر و کار داریم فرامتن هم منحصر به این است که چه چیز می‌تواند به شکل کلامی و گرافیکی درآید؛ و این در نهایت کم‌اهمیت‌ترین بعد واکنش در برابر یک متن ادبی است و نمی‌تواند نشانگر آن باشد که تخیل خواننده را در برابر متنی ادبی برانگیزد. هنری جیمز<sup>۱</sup> هنگام توصیف راهبرد خود در اثری با عنوان *پیچش پیچ*<sup>۲</sup>، درباره این دیدگاه جمله‌ای بسیار جالب نوشته است. جیمز بر نگفتن جزئیات در وحشتی که می‌خواهد در خواننده ایجاد کند، تأکید کرده است. او فقط بیش‌کلی خواننده را درباره شر و گناه شدت و قوت بخشید؛ آنگاه تجربه و تخیل او در درک تمامی جزئیات، وی را یاری خواهد کرد (هنری جیمز ۱۹۶۲: ۱۷۶). ادموند برک<sup>۳</sup> بحث و جدل مشابهی را در قرن هجدهم علیه این عقیده رایج انجام داد که: بهترین شعر، شبیه نقاشی است: توصیف کلامی در مقایسه با هر اثر نقاشی، حسی قوی‌تر را برمی‌انگیزد زیرا قوه تخیل را فعال می‌کند (ادموند برک ۱۹۹۰: ۵۵-۵۶).

نمودهای فرامتن در یک متن ادبی، شاید بیشتر برخلاف این شیوه تخیلی مطالعه باشد. از آنجا که مزیت عمده فرامتن، برخورداری از ویژگی بینامتنی است، رابطه‌های مختلف با متون دیگر و با عناصر تصویری، خواننده را پیوسته و سوسه می‌کند که راه‌های بدیل دیگر را نیز بیازماید و در نتیجه از متن اصلی فاصله گیرد. به کارگیری تخیل که جیمز تلویحاً از آن صحبت می‌کند، یعنی پیدایش و گسترش تدریجی حالت روحی خاص و سلسله‌ای مسائل فردی که تا حدودی به شخص خواننده مربوط می‌شود، پیش از آنکه کاملاً درک و دریافت شود، بی‌نتیجه خواهد ماند: انحراف مکرر از متون به هم پیوسته، باعث پراکندگی ذهنی و کمرنگ شدن تدریجی ارتباط خواننده با متن اولیه می‌شود. با در نظر داشتن نتیجه منطقی این مسئله، تصویری که مدافعان فرامتن «پست‌مدرن» از بینامتن<sup>۴</sup> عرضه می‌کنند، نشان می‌دهد که خواننده هرگز به مطالعه متنی کامل موفق

1. Henry James

2. *The turn of the screw*

3. Edmund Burke

4. Intertextuality

نخواهد شد چرا که متن‌ها همگی اجزایی پراکنده از جهانی کلی از دیگر متون‌اند که ارتباط حاکم بین آنها مهم‌تر از وجود هر یک به تنهایی است.

این دیدگاه از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ گذشته از نمونه‌ای که در نظریه انتقادی پُست مدرن ارائه شد (و الگوی زبان‌شناختی «فردینان دوسوسور»<sup>۱</sup> نیز در نهایت پشتیبان این نظر است)، استدلال جرج لندو<sup>۲</sup> یکی از بحث‌های متعددی است که نشان می‌دهد مدل مفهومی فرامتن نیز از مدل مفهومی «اطلاعات» ناشی شده است (بروس هینریکسن و تائیس مورگان ۱۹۹۰: ۱۶۱-۱۳۳). به عبارت دیگر، این استدلال از به اصطلاح انقلاب شناختی<sup>۳</sup> در روان‌شناسی سرچشمه می‌گیرد که به نوبه خود بسیار متأثر از محاسبه و شمارشگری است. این موضوع باعث پیدایش «فن‌آوری اطلاعات»<sup>۴</sup> و «پردازش اطلاعات» شده است. اما تأثیر آن بر خواننده ادبیات چگونه است؟ «لندو» در این زمینه توضیحی خاص دارد. او می‌گوید: یک خواننده آگاه و صاحب ذوق بهشت گم شده<sup>۵</sup> می‌تواند بسیاری از بازتاب‌های نویسندگان دیگر، از «هومر»<sup>۶</sup> گرفته - از طریق کتاب مقدس - تا ادموند اسپنسر<sup>۷</sup>، را نیز به خاطر بیاورد. از طریق پیوندهایی که در فرامتن با متن اصلی شعر میلتون<sup>۸</sup> برقرار می‌شود، می‌توان به متون همه این نویسندگان، به عنوان مراجعی خاص، دسترسی پیدا کرد: با فرامتن می‌توان هر تعداد از این گونه مسیرهای غیرخطی را برای تکمیل مطالعه متن اولیه در اختیار خواننده قرار داد. «لندو» در تمامی الگوهایی که ارائه می‌دهد، اطلاعات را به این طریق بررسی و به آنها توجه می‌کند: او به تفسیر متون ادبی یا به مجموعه‌ای از مقالات پژوهشی درباره جیمز جویس<sup>۹</sup> در یک نظام برنامه‌ریزی شده فرامتن، اشاره می‌کند (بروس هینریکسن و تائیس مورگان ۱۹۹۰: ۱۳۵).

1. Ferdinand de Saussure

2. George Landow

3. Cognitive revolution

4. Information technology

5. Paradise lost

6. Homer

7. Edmund Spenser

8. John Milton

9. James Joyce

اهمیت ایجاد پیوندهایی که «لندو» از آن صحبت می‌کند را نمی‌توان در تحصیل ادبیات دست‌کم گرفت؛ اما نظام فرامتن که در اظهارات او بر پیوندها اولویت دارد، گمراه‌کننده است. در فرایند ایجاد چنین پیوندهایی، آنچه شاخص‌ترین عامل در مطالعه ادبیات است، از نظر دور می‌ماند.

«لندو» در تازه‌ترین کتاب خود با عنوان فرعی همگرایی نظریه انتقادی معاصر و فن‌آوری، با خطی از اندیشه انتقادی دریدا<sup>۱</sup> و هلیس میلر<sup>۲</sup> از متن، استدلال خویش را درباره فرامتن وحدت می‌بخشد. به عنوان مثال، میلر طی صحبتی در سال ۱۹۹۰ م، درباره جایگزینی متنی چند رسانه‌ای و چند بعدی با کتاب، اشاره می‌کند که این نوع متن به سرعت شکل «شیوه‌ای خاص» در بیان فرهنگ و مطالعه اشکال فرهنگی به خود می‌گیرد. (۱۳) اظهار نظر میلر با توجه به آن بخش از فرهنگ که در کتاب‌ها ارائه می‌شود و هنوز هم در مقیاسی بسیار بیشتر از محصولات چند رسانه‌ای تولید می‌شوند، نه تنها دور از حقیقت است، بلکه سرشت مطالعه ادبی را نیز نادیده می‌گیرد.

بیشترین بازدهی فرامتن هنگامی است که از آن به عنوان ابزار کمک آموزشی استفاده شود، اما از آنجا که نظام‌هایی انگشت‌شمار در این زمینه ارائه شده است، شواهد و مدارکی که کارآیی آنها را به اثبات رساند، بسیار اندک است. عمده‌ترین نمونه فرامتن که لندو راجع به آن بحث کرده است، یعنی سیستم بینارسانه‌ای که او به راه‌گشایی آن کمک کرد، مستلزم دوره‌ای است که دانش آموزان طی آن و از طریق فرامتن، متون انتقادی و تاریخی نویسندگانی چون پوپ و دیکنز<sup>۳</sup> را مطالعه می‌کنند. فرامتن با فراهم آوردن پیش‌زمینه‌ای برای فهم ادبیات، ابزاری درخور توجه و مهم به‌شمار می‌رود و تجربه معلمانی چون «لندو» که واکنش دانش‌آموزان را در برابر آن مشاهده و بررسی کرده، بسیار دلگرم‌کننده است. یکی دیگر از ناظران، گریگوری کرین<sup>۴</sup>، از تجربیات خود در

1. Derrida

2. Hillis Miller

3. Dickens

4. Gregory Crane

کمک به تولید نظام فرامتن برای فرهنگ یونان، با نام پرسئوس، چنین می‌گوید: دانش‌آموزان در نهایت یاد می‌گیرند که با فرامتن‌های ویژه به چه سؤالاتی می‌توان و به چه سؤالاتی نمی‌توان پاسخ داد؛ اما نکته شگفت‌آور در واکنش اولیه دانش‌آموزان این است که آنها تشنه‌تر و از نظر فکری جسورتر می‌شوند (گریگوری کرین ۱۹۹۱: ۲۹۴). به عبارت دیگر، در نتیجه نوع منبعی که یک فرامتن خوش‌طرح به دست می‌دهد، بینش انتقادی دانش‌آموزان هم دقیق و هم متمرکز می‌شود. در مورد بینارسانه، این مسئله بدان معناست که خوانندگان دانش‌آموز، نظامی شخصی از تفسیرها و منابع را برگرد یک متن اولیه شکل می‌دهند، و برای این منظور از تفسیرها و منابعی که قبلاً نویسندگان این نظام فراهم کرده‌اند و یا به کمک آنچه که خود می‌نویسند، سیستم فردی تفسیر و مراجع پشتیبان اطراف متن زمینه را می‌سازند.

«لندو» با گسترش مدل فرامتن به تمامی متون، فرایندهای مطالعه متون ادبی و غیرادبی را درهم می‌آمیزد؛ که چندان به نفع فرایند مطالعه متون ادبی نیست. متون ادبی، متون اطلاعاتی نیستند؛ و فرامتن هم وسیله‌ای برای کشف معانی متون ادبی نخواهد بود. در یک وسیله نقد و بررسی «بینارسانه‌ای»، فرض بر این گذاشته می‌شود که دانشجو قبل از این‌که به مطالعه مبادرت کند، شعر پوپ و رمان دیکتز را خوانده است. مدافعان فرامتن روشن نمی‌کنند که چه تفاوتی ممکن است میان عمل مطالعه ابتدایی یک متن ادبی و بازخوانی آن به قصد تحلیل و بررسی وجود داشته باشد: بررسی یک متن اساساً مجموعه معادلات شناختی متفاوتی را از آنچه در عمل خواندن به کار گرفته می‌شود، می‌طلبد. (۱۴)

در فرامتن، همان‌طور که پس از سال‌ها تلاش «لندو» شاهد آن هستیم، شرایطی نمونه برای مطالعه متون ادبی یعنی بازخواندنی ثمربخش ارائه می‌شود؛ اما درباره ارتباط متقابل خواننده و متن ادبی صحبتی به میان نمی‌آید. «لندو» همانند «کانر» و مدافعان دیگر، فرامتن را تحقق‌ی عملی از نظریه بینامتنی می‌داند. او ادعا می‌کند که «فرد از طریق

فرامتن، نوعی اختیار و آزادی در خلق و تعبیر روابط موجود پیدا می‌کند» (بروس هنریکسن و تائیس مورگان ۱۹۹۰: ۱۵۰). و در ادامه، در جایی دیگر اظهار می‌دارد: در این فرایند، «پیوندهای درونی و بیرونی متن... یکی می‌شوند و بدین ترتیب، متون به هم نزدیک‌تر می‌شوند و مرزهای میان آنها درهم می‌آمیزد» (جورج پ. لندو ۱۹۹۲: ۶۱). با نادیده گرفتن فرایندی که در طی آن خواننده معنای خاص خود را شکل می‌دهد، نظریه مذکور این خطر را به همراه دارد که مجموعه پیوندهای بینامتنی جایگزین متن‌هایی شوند که خواننده آنها را به کمک تجربیات گذشته خود می‌سازد (چه شخصی، چه ادبی). در این طرح، جایی برای خوانندگانی که مایل به ایجاد متون شخصی و بینامتنی هستند، وجود ندارد: آنچه از نظریه «لندو» دریافت می‌شود، این است که این شیوه خواندن چنگی به دل نمی‌زند و حتی بی‌ربط است و چیزی است که آشکارا در نوشته‌های منتقدانی دیگر چون جان اتان کولر<sup>۱</sup> هم به چشم می‌خورد (۱۵). در نمایی که «لندو» ترسیم کرده است، انسجام و اهمیت واکنش به یک متن ادبی خاص، جای خود را به حواشی متن می‌دهد، جایی که شبکه‌ای بس گسترده در ارتباط با متن‌ها و بافت‌های دیگر شکل می‌گیرد تا ارزش‌های نهفته در متن را هرچه آشکارتر و روشن‌تر سازد. او ادعا می‌کند: «فرامتن، فرایند برقراری ارتباط در درون متن و بین متون را بسیار شتاب می‌بخشد»؛ ولی چنین نتیجه می‌گیرد که این فرایند، نویدبخش تحول در شیوه خواندن و نوشتن است. از این گذشته، با فرامتن، «تمایز موجود بین امر درون‌متنی و امر بینامتنی، در مقایسه با این تمایز در فن‌آوری کتاب به حداقل خود خواهد رسید.» (بروس هنریکسن و تائیس مورگان ۱۹۹۰: ۱۵۲). با این همه، این دیدگاه که خواندن یک متن ادبی در کتاب به شکل متعارف آن، نوعی دید خطی را به خواننده تحمیل می‌کند، در واقع ساده کردن بیش از حد فرایندی بسیار پیچیده است. طبق مطالعات گری ام. السون<sup>۲</sup>، رابرت ال. مک<sup>۳</sup> و سوزان دافی<sup>۴</sup>

1. Jonathan Culler

2. Gary M. Olson

3. Robert L. Mack

4. Susan A. Duffy

(۱۹۸۱: ۳۱۵-۲۸۳)، خواندن متن خبری، تقریباً به شکل خطی صورت گیرد. در این روش، خواننده مفاهیم را مرحله به مرحله و از طریق اطلاعاتی که پی در پی با آنها برخورد می‌کند، بسط می‌دهد و هر مفهوم به مدل ذهنی متنی که خواننده کم‌کم شکل داده است، افزوده می‌شود. از سوی دیگر، خوانندگان متون ادبی اغلب درگیر فعالیت‌های پردازشی به صورت یک سلسله بازنگری در متن می‌شوند که مبتنی بر تجارب گذشته است؛ هرچند که فرایند خواندن، فرایندی خطی به نظر می‌رسد. با ابزاری که در زبان ادبی و ساختار ادبی به کار می‌رود، خواننده قادر می‌شود بر محدودیت‌های موجود در ارائه مطالب به صورت خطی، کاملاً فائق آید به این معنا که دریافت و تعبیر خود را از متن در قالب یک طرح و الگو می‌ریزد، و آنگاه به جستجوی راه‌های دیگری می‌پردازد با این هدف که یا بعداً آن را بازنگری و اصلاح کند یا شمایی نو پدید آورد که با آن بتواند آنچه را که تا آن زمان خوانده شده است، از نو تعبیر و تفسیر کند. از این گذشته، احساسات، تصورات، عقاید و خاطراتی که یک خواننده برای کمک به تعبیر متن، در آن دخالت می‌دهد، به مرور زمان جذب یا برعکس، کنار گذاشته نمی‌شوند؛ بلکه فعال باقی می‌مانند و به آگاهی خواننده از روند مطالعه می‌افزایند و به نوبه خود از متن تأثیر می‌پذیرند. آرایبی را که در اینجا خلاصه می‌کنم، در سنت پدیدارشناسی نویسندگانی چون ولفگانگ آیزر<sup>۱</sup> و در مباحث مربوط به واکنش خواننده، کمایش عادی هستند اما گردآوری مدارک و شواهد تجربی آنها تازه آغاز شده است (ولفگانگ آیزر ۱۹۷۸) (۱۶).

به یقین چنین فرایند پیچیده و منحصر به فردی، در اساس چندخطی است آن هم به شیوه‌ای که هرگز نمی‌توان آن را با نظام فرامتن شبیه‌سازی کرد؛ و تکرار آن، اگر هم امکانش وجود داشته باشد، کاری بی‌فایده است چرا که نه تنها یک متن واحد را افراد به شیوه‌های متفاوت مطالعه می‌کنند، بلکه در مورد یک نفر هم متن مورد نظر پس از هر بار خواندن با دفعه قبل تغییر می‌کند.

با توجه به ادعای لندو، مسئله‌ای که نظام فرامتن با خواندن پیدا می‌کند را می‌توان با مثالی دیگر روشن ساخت. همان‌طور که کرین نشان می‌دهد، فرامتن «پرسئوس» در مقایسه با کتاب چاپی آن، مزیتی تعیین‌کننده برای دانشجویان رشته مردم‌شناسی دارد. کرین اشاره می‌کند که «یک متن چاپی قوم‌نگاری باید حس بصری و سمعی را در خواننده برانگیزد و او را وادار سازد تا خلاهای شناختی را پرکند.» (گریگوری کرین ۱۹۹۱: ۲۹۶). اما فرامتن علاوه بر پیوندهای بینامتنی قادر است منابع اطلاعاتی دیگر را که قبلاً در دسترس و آماده نبودند، به اتاق رایانه ویژه دانشجویان فراخواند: صوت، تصویر و حتی نماهای ویدیویی را می‌توان به‌طور منظم آن‌چنان با اجزای مربوط به متن درهم بافت که تجربیات قوم‌نگار در آن زمینه و در کمک به فهم فرهنگی دیگر، به دانشجویان بسیار نزدیک‌تر شوند. درون‌داد مفهومی با چنان غنای حسی همراه می‌شود که هیچ کتاب چاپی قادر به فراهم کردن آن نیست. با وجود این، آنچه که برای یک تحقیق علمی مانند «قوم‌نگاری» مناسب است، برای مطالعه ادبیات چندان مناسب به نظر نمی‌آید. اگر خواسته باشیم از گفته‌های کرین استفاده کنیم، «یک متن ادبی برای آن‌که ثمربخش باشد، باید حس بصری و سمعی را برانگیزد؛ یعنی ابتدا در تخیلات، خاطرات و احساسات خواننده زنده شود، به طوری که بتواند هم‌زمان در تجربیات فردی و ویژه او نیز جای گیرد. جایگزین کردن مجموعه‌ای از پیوندهای فرامتنی، اعم از گرافیک‌ها، نقل‌متون و یا اطلاعات متنی به جای فرایند بالا به معنای کنار گذاشتن تلاش سازنده خواننده برای یافتن معنی است. غالب خوانندگان پدیده مشابهی را هنگام تماشای فیلمی که براساس یک رمان ساخته شده است، مشاهده کرده‌اند. صدا و تصاویر فیلم تقریباً همیشه برای خواننده دلسردکننده و معمابرانگیز است؛ زیرا با آنچه او هنگام خواندن در ذهن خود ساخته است، بی‌ارتباط‌اند.

آخرین نمونه بدتمایی متون ادبی را می‌توان در بحث لندو درباره والتر جی. اونگ<sup>۱</sup>

(که استدلال افلاطون را در فایدروس<sup>۱</sup> منعکس می‌کند) یافت. او می‌گفت: کتاب را نمی‌توان ردّ و ابطال کرد. به قول اونگ، خودبسنده‌گی کتاب یعنی همین که: با وجود انتقاداتی که از آن صورت می‌گیرد، هم‌چنان به حیات خود ادامه می‌دهد؛ و این دلیلی است بر این که وقتی به کتابی استناد می‌کنیم، نظرمان این است که گفته‌ی کتاب درست بوده و جمله «کتاب می‌گوید» معادل متداولی است برای «درست است». لندو می‌افزاید: «اما اگر همان کتاب همراه با نقدهایی که بر آن نوشته شده است در نظام فرامتن قرار گیرد، بیشتر حکم بخشی از یک گفتگوی جاری را دارد تا مظهري از بیان افکار فردی که مقتدرانه و استوار سخن می‌گوید.» (بروس هنریکسن و تائیس مورگان ۱۹۹۰: ۱۵۵) (۱۷). اگرچه ممکن است عمل جایگزینی برای انواع دیگر متون راهی مؤثر باشد، یک متن ادبی به این معنا «درست» یا «ابطال‌پذیر» نیست. همچنین برخلاف نظر لندو، یک متن ادبی به دلیل آن که در کتاب چاپ می‌شود، «تک‌معنایی» نمی‌شود (جورج پ. لندو ۱۹۹۲: ۶۳). خواندن متون ادبی، برخلاف متن‌های دیگر، ذاتاً گفتگویی است؛ برای مثال، به همان اندازه که خواندن، از تصورات بهره‌برداری می‌کند، متن هم از مواد و موضوعاتی بهره‌برداری می‌کند که در قلمرو آگاهی خواننده موجودند، دقیقاً به این دلیل که متن مسائلی را مطرح می‌کند که حل نشده و مجهول‌اند. تحقیقات انجام شده، از وارندانک<sup>۲</sup> گرفته تا سینگر<sup>۳</sup> و استیتس<sup>۴</sup> نشان می‌دهند که تصاویر ذهنی در داستان‌های تخیلی، خیال‌پردازی یا رؤیاها، عمده‌ترین منابع برای پرتوافکنی بر دغدغه‌های جاری آدمیان به‌شمار می‌روند که نتایج متفاوتی به‌بار می‌آورند که هنوز شناخته نشده‌اند (جی. وارندانک ۱۹۲۱: جروم ال. سینگر ۱۹۸۱؛ برت ا. استیتس ۱۹۸۸) به‌نظر می‌رسد خاطرات فعال تجربه‌ها نیز ذاتاً از ویژگی‌های مشابهی برخوردارند؛ بنابراین، هرگونه واکنشی از طرف خواننده متن ادبی که به برانگیختگی تخیلات، خاطرات یا احساسات او منجر شود، حاکی از

1. *Phaedrus*

2. J. Varendonck

3. Jerome L. Singer

4. Bert O. States

وجود نکته‌ای است که منحصراً برای آن خواننده مسئله‌ساز شده است. درک ماهیت مطالعه و آنچه برای حمایت از فعالیت مطالعه ادبیات مناسب باشد، باید از این نقطه آغاز شود. این دنیای جدید که فرامتن نام گرفته است، به میزانی که این مسائل را به نفع دستور کار بینامتنی نادیده بگیرد، به همان اندازه سودمندیش را برای خوانندگان از دست می‌دهد و در درازمدت در مقام ابزاری آموزشی با شکست مواجه می‌شود.

به عقیده من، این که انتظار داشته باشیم رایانه‌ها تغییراتی را در چگونگی ارائه و مطالعه متون ادبی ایجاد کنند، توهمی بیش نیست. روش‌های رایانه‌ای تا زمانی که فاقد دانش کافی درباره فراگردهای لازم برای مطالعه متون ادبی باشیم، مؤثر واقع نمی‌شوند: برای پیشرفت استفاده از رایانه‌ها، به شواهد تجربی بسیار بیشتری نیاز داریم. ممکن است روزی برسد که رایانه‌ها، با پردازش متن و فرامتن، نقش مهم‌تری را به عنوان ابزار تحقیقاتی ایفا کنند اما هنوز هیچ‌یک از روش‌های پیشنهادی برای خود فرایند مطالعه بهره‌آسایی نداشته است. در این بین، لازم است به دو تحول دیگر در روش‌های رایانه‌ای اشاره کنم که به‌طور غیرمستقیم به بحث‌هایی که تاکنون مطرح کرده‌ام، مربوط می‌شوند: (۱) (۲)

نخست این که ممکن است در آینده‌ای نزدیک شاهراه‌های اطلاعاتی به سرعت رشد کنند و در نتیجه فرصت‌های قابل ملاحظه‌ای برای گسترش فعالیت‌های ادبی، از نوعی که اکنون در گروه‌های ادبیات دانشگاه به تدرت به آنها توجه می‌شود، فراهم آید. در ایالات متحده آمریکا، الگور<sup>۱</sup>، معاون رئیس جمهور، در یکی از گام‌های بسیار نوگرایانه‌ای که در زمان سرپرستی خود برداشت، هدف از ایجاد «شاهراه‌های اطلاعاتی» را چنین بیان داشته است: «اینها شبکه‌هایی با ظرفیت بالای فیبرنوری هستند که قادرند تمامی رایانه‌ها را به یکدیگر متصل کنند». به قول بنجامین وولی<sup>۲</sup>، تصویری که ارائه می‌شود، منظری است از عصر اطلاعات یا تصویری همسان با جاده‌ها و بزرگراه‌ها که در زمان

1. Al Gore

2. Benjamin Woolley

خود نوعی وحدت فن آورانه را برای ملت‌هایی که به‌طور بالقوه جدا از یکدیگرند، به‌ارمغان آورد (بنجامین وولی ۱۹۹۳: ۶۴). این منظر، با مشارکت بیشتر خواننده، نویدبخش مردمی‌کردن فرایند ارتباط به روش‌های اساسی است؛ ضمن این‌که در آن ارتباط، سلسله‌مراتبی که در رسانه‌های متعارف وجود دارد، حذف می‌شود. اگر پیامدهای این پیشرفت تحقق یابد، به‌کارگیری شبکه‌های رایانه‌ای از دنیای تجارت و علم فراتر می‌رود و به داخل منازل همهٔ افرادی که می‌توانند با رایانه کار کنند، کشیده می‌شود و در راه‌های ارائهٔ اطلاعات و برنامه‌های تفریحی، دگرگونی اساسی به‌وجود می‌آورد. در آن صورت، رسانه‌ای که با چنین شبکه‌ای تهیه می‌شود، خوب یا بد، برای اکثریت مردم، میانجی اصلی رایانه و ادبیات خواهد بود.

اگرچه ممکن است کاربران شبکهٔ رایانه‌ای در نهایت به نظام‌های فرامتن، از جمله بینارسانه، دسترسی پیدا کنند، تحولی محتمل‌تر در گسترش اشکال فرهنگی که قبلاً در بین مردم متداول بوده، نهفته است. از تحقیقات مختصر موجود در این مقوله کاملاً روشن است که تعداد خوانندگان داستان‌های تخیلی و علمی-تخیلی در امریکا و کانادا تاکنون بسیار بیشتر از خوانندگان متون ادبی است (به‌تعریف متعارف) (۱۸). دستیابی به چنین داستان‌هایی که براساس رایانه پدید می‌آیند و دوسویه هستند - یعنی خواننده می‌تواند در شکل‌دهی داستان شرکت کند - نه تنها رو به گسترش است، بلکه نسخه‌های شبکه‌ای آنها با قصد مشارکت چند خواننده در داستان در آستانهٔ ظهور است (۱۹). بازی‌های تخیلی دوسویه که در شبکه قرار می‌گیرند، با توجه به آمادگی گسترش، چه از نظر قصه‌های عامیانهٔ متداول و چه از لحاظ بازی‌های سکه‌ای و ویدیویی، تحولی است که وقوع آن منطقی به نظر می‌رسد. البته جذابیت‌هایی که در این داستان‌ها هست، در آینده، شرکت‌کنندگان را از آن دلمشغولی‌هایی که عموماً خاص متون ادبی بوده است، دور می‌کند؛ در نتیجه، ادبیات، حداقل در فرهنگ امریکای شمالی، ممکن است به موقعیتی حاشیه‌ای‌تر از آنچه اکنون دارد، رانده شود. بنابراین، شاید آنچه باعث تغییراتی

اساسی تر در وضع ادبیات خواهد شد، تحول در ارتباطات شبکه باشد تا تحول در دانشکده‌های ادبیات.

دومین تحول مهم، در رشد دائمی فن آوری رایانه نهفته است. پذیرش پیشرفت سریع رسانه‌های رایانه‌ای، به منزله پذیرش کهنه‌شدن و از رده خارج شدن سریع است. حرکت از کتاب به رسانه‌های رایانه‌ای به معنای استقبال از وضعیت ناپایدار است؛ به عبارت دیگر، متن یا فرامتنی که برای ماشین‌های امروزی تولید می‌شود، احتمالاً در سی سال آینده قابل خواندن نخواهد بود. حامیان فرهنگ بدون کتاب، از جمله دیوید جی. بولتر، در واقع از فرهنگ «بخوان و دور بریز»<sup>۱</sup> استقبال می‌کنند (۲۰)؛ مگر آن‌که ناشران و بایگان‌های آینده همیشه برای نسخه‌برداری و تهیه مجدد متن‌های رایانه‌ای، برای هر نسل جدید از ماشین، آمادگی داشته باشند. با آن‌که استانداردهایی مانند Text Encoding Initiative برای انتقال متون به ماشین‌ها در آستانه شکل‌گیری است (استیون دو رز: ۱۱۹-۱۳۵)، بایگانی کردن نسخه‌های متون و فرامتن‌ها بدین شکل، به تحمیل هزینه‌هایی قابل ملاحظه منجر خواهد شد که احتمالاً تحمل آن برای جامعه دانشگاهی مشکل است (۲۱).

در این شرایط، پدید آوردن فرامتن‌ها یا اشکال دیگر رسانه‌های رایانه‌ای، کاری مخاطره‌آمیز است: اگرچه برای فرامتن یک قالب کدگذاری مشترک در نظر گرفته شده، ترتیب نوشتن برنامه‌ای که در آن از ماشین‌ها استفاده کامل برده نشود، کاری صرفاً بیهوده است (۲۲). چنانچه برنامه‌های سیستم فرامتن را به دو سبک روان<sup>۲</sup> و جذاب<sup>۳</sup> تقسیم کنیم، تعجبی نخواهد داشت اگر نویسندگان سیستم دوم را ترجیح دهند. بدین ترتیب، با در نظر گرفتن موقعیت ضعیف موجود در توزیع این مطالب و کهنگی پذیری بالقوه ماشین‌هایی که این مطالب را ارائه می‌کنند به قول یاکوب نیلسن<sup>۴</sup>، هر فرامتن به مانند

1. Throw-away Culture

2. Scylla

3. Charibdis

4. Jakob Nielsen

جزیره‌ای خواهد بود که خوانندگان انگشت‌شماری از آن دیدن می‌کنند و این جزیره خیلی زود زیر امواج پیشرفت‌های تکنیکی ناپدید خواهد شد (یاکوب نیلسن ۱۹۹۰: ۱۹۰-۱۸۶). گرچه آخرین دستاوردهای فنی مانند CD-ROM می‌توانند شالوده محکمی برای آینده قابل‌پیش‌بینی فراهم آورند، با این حال این پیشگویی‌ها نویدبخش نیستند. پیشرفت‌های تکنیکی رایانه، عمری کمتر از ده سال دارند.

بدین ترتیب، ساخت رایانه‌هایی برای مطالعات متون ادبی را هم تنها می‌توان با احتیاط استقبال کرد. اما این احتیاط لازم، خود نشانی از معضل بزرگ‌تر است. همان‌طور که تام کرنز<sup>۱</sup> و مارگارت ای. اسمیت<sup>۲</sup> اظهار داشته‌اند، علمی که از تغییرات فنی بهره نبرد، به حاشیه کشیده خواهد شد (اس. راتز ۱۹۸۷: ۱۱۵). با وجود این، ارائه بسیار سریع روش‌های معمول رایانه‌ای برای مطالعات متون ادبی، باعث انحراف از مسیر اصلی و به‌دنبال آن کهنگی قریب‌الوقوع می‌شود. تنها با گذشت زمان مشخص خواهد شد که کدام‌یک از نتایج ممکن خطری بزرگ‌تر به‌دنبال خواهد داشت؛ اما در حال حاضر، یک برخورد منطقی در برابر وعده‌ای که رایانه‌ها به ما می‌دهند، شاید معقول‌ترین راهی باشد که می‌توان در پیش گرفت.

## یادداشت‌ها

۱. رجوع کنید به مقدمه کتاب Robert L. Okman 1984.
۲. موضوع واکنش خواننده [در برابر متن] در پانزده سال اخیر، تقریباً به‌طور کامل حول محور خوانندگان عوام دور زده است، نه خوانندگان واقعی.
۳. گلیات (Gloiah)، جنگجوی وحشی بود که داوود (ع) با سنگ و فلاخن او را به قتل رساند. (فرهنگ لغت زبان انگلیسی امریکن هری تیچ، ۱۹۹۵ م: ۵۶۶)
۴. نگاه کنید به ضمیمه ادبی روزنامه تایمز (TLS)، ۳۰ آوریل ۱۹۹۳، صفحه ۷.

۵. گزارش مهمی از این مطلب را رُزانه جی. پوتر تهیه کرده است

(Rosanne G. Potter 1988: 91-97).

۶. شاید رایج‌ترین و مهم‌ترین نمونه آن TACT باشد. این مجموعه، تحلیلی از متن است که

در دانشگاه تورنتو تهیه شده است و اکنون از طریق انجمن زبان‌های معاصر آمریکا (Modern Language Association of America) توزیع می‌شود. برای آن که از قابلیت‌های

TACT آگاه شوید، به مأخذ زیر مراجعه کنید:

T. Russon Wooldridge 1991.

۷. به عنوان نمونه، رجوع شود به: Richard A. Lanham 1989: 265-290.

۸. رجوع شود به مقاله نگارنده (David D. Miall 1989:55-78).

۹. استدلال نگارنده را درباره این موضوع ببینید (David D. Miall 1983: 319-342).

۱۰. سؤال ژنیت از این مأخذ گرفته شده است: A. Sheridan 1982: 22.

۱۱. به جز تردیدهای کوتاه‌گانه و بی‌گانه، اما روشنگری که به عنوان مثال در منبع زیر می‌توان

دید:

J. E. Lewin (translator) 1980: 261.

در آن‌جا اشاره شده است که ذکر نقش خواننده ابهام به وجود می‌آورد و داستان‌سرایی

ماهرانه او را به ناگاه از اهمیت می‌اندازد و این سؤال را در ذهن انسان ایجاد می‌کند که آیا

خوانندگان به ساختارهایی که ژنیت شناسایی می‌کند، توجه دارند یا خیر.

۱۲. رجوع شود به مثال‌هایی که در بعضی از بخش‌های منبع زیر آمده است:

Paul Delay and George P. Landow 1991.

نگارنده نیز برای حمایت از مطالعه ادبیات رمانتیک، مجموعه‌ای از فرامتن تهیه کرده

است.

۱۳. نقل از:

P. Landow 1992: 28.

۱۴. رجوع شود به فصل «Rethinking English Studies: The Role of the Computer» از نگارنده در کتاب زیر:  
(صفحه ۵۲ از آن فصل). David S. Miall 1990: 49-59;
۱۵. به عنوان نمونه، نگاه کنید به: Jonathan Culler 1981: 129؛ که «کولر» در آن با بی‌اعتنایی به حذف مسئله روان‌شناسی خواندن مبادرت می‌کند.
۱۶. برای آگاهی از مطالعات تجربی، به منابع زیر رجوع کنید:  
David S. Miall 1989: 55-78; 1990: 323-339; David S. Miall and Don Kuiken (in Press).
۱۷. نقل از: Walter J. Ong 1982: 79.
۱۸. در کانادا، رجوع شود به:  
Steven Tötösy de Zepetnek and Philip kreisel 1992: 211-238.
- در امریکا، رجوع شود به:  
Nicholas Zill and Marianne Winglee 1990: 30.
- در اطلاعات منتشرشده‌ای که دان کوئیکن (Don Kuiken) و نگارنده در آلبرتا (Alberta) جمع‌آوری کرده‌اند، ارقام با ارقام موجود در این بررسی‌ها یکی است.
۱۹. برای ملاحظه گزارشی تازه از این پیشرفت‌ها، رجوع شود به:  
Robert T. Kelley 1993: 52-68.
۲۰. رجوع شود به:  
*Writing Space: The Computer, Hypertext, and The History of Writing* (Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum, 1992).
۲۱. به منظور هشدار به موقع راجع به این موضوع، رجوع شود به:  
Frederick J. Stielow, Spring 1992: 332-343.
۲۲. رجوع کنید به: 85.

- De Rose*: 128-30; B. Campbell and J. M. Goodman 1988: 856-861.
- کتابنامه
- Barthes, Roland. 1975. *S/Z*. Trans. by R. Miller. London: Cape.
- Burke, Edmund. 1990. *A Philosophical Enquiry into the Origin of our Ideas of the Sublime and Beautiful*. Ed. by Adam Phillips. Oxford: Oxford University Press.
- Burrows, J. F. 1987. *Computation into Criticism: A Study of Jane Austen's Novels and an Experiment in Method*. Oxford: Oxford University Press.
- Campbell, B. and Goodman, J. M. 1988. "HAM: A General Purpose Hypertext Abstract Machine", *Communications of the ACM*, 31, 856-861.
- Connor, Patrick W. 1992. "Hypertext in the Last Days of the Book", *Bulletin of the John Rylands University Library of Manchester*, 74, 7-24.
- Crane, Gregory. 1991. "Composing Culture: The Authority of an Electronic Text", *Current Anthropology*, 32, 293-311.
- Culler, Jonathan. 1981. *The Pursuit of Signs*. London: Routledge & Kegan Paul.
- Delany, Paul and Landow, George P. (eds.). 1991. *Hypermedia and Literary Studies*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Henriksen, Bruce and Morgan, Thais (eds.). 1990. "Changing Texts, Changing Readers: Hypertext in Literary Education, Criticism, and Scholarship", *Reorientations: Critical Theories and Pedagogies*, Urbana and Chicago: University of Illinois Press, pp. 131-161.
- Iser, Wolfgang. 1978. *The Act of Reading: A Theory of Aesthetic Response*. London: Routledge & Kegan Paul.

- James, Henry. 1962. *The Art of the Novel*. New York: Scribner.
- Kelley, Robert T. March 1993. "A Maze of Twisty Little Passages, All Alike: Aesthetics and Teleology in Interactive Computer Fictional Environments", *Science-Fiction Studies*, 20. I, 52-68.
- Landow, George P. 1992. *Hypertext: The Convergence of Contemporary Critical Theory and Technology*. Baltimore and London: John Hopkins University Press.
- Lanham, Richard A. 1989. "The Electronic Word: Literary Study and the Digital Revolution", *New Literary History*, 20, 265-290.
- Lewin, J. E. (translator). 1980. *Narrative Discourse*. Oxford: Blackwell.
- Miall, David D. 1983. "Beyond the Word: Reading the Computer", *The Digital Word: Text based Computing in the Humanities*. Ed. by George P. Landow and Paul Delany. Cambridge, MA: MIT Press, pp. 319-342.
- Miall, David S. 1989. "Beyond the Schema Given: Affective Comprehension of Literary Narratives", *Cognition and Emotion*, 3, 55-78.
- \_\_\_\_\_ 1990. "Readers' Responses to Narrative: Evaluating, Relating, Anticipating", *Poetics*, 19, 323-339.
- \_\_\_\_\_ (ed.). 1990. *Humanities and the Computer: New Directions*. Oxford: Oxford University Press.
- \_\_\_\_\_ and Kuiken, Don. In press. "Beyond Text Theory: Understanding Literary Response", *Discourse Processes*.
- Nielsen, Jakob. 1990. *Hypertext and Hypermedia*. Boston: Academic Press.
- Oakman, Robert L. 1984. *Computer Methods for Literary Research*. Athens: University of Georgia Press.

- \_\_\_\_\_ 1985. "Computers and Surface Structures in Prose Style: The Case of Carlyle", *Computers in Literary and Linguistic Computing*, ed. by J. Hamesse and A. Zampolli, Paris and Genève: Champion-Slatkin, pp. 277-285.
- Olson, Gary M.; Mack, Robert L.; and Duffy, Susan A. 1981. "Cognitive Aspects of Genre", *Poetics*, 10, 283-315.
- Ong, Walter J. 1982. *Orality and Literacy*. London: Methuen.
- Potter, Rosanne G. 1988. "Literary Criticism, Literary Computing: The Difficulties of a Synthesis", *Computers and the Humanities*, 22, 91-97.
- Rahz, S. (ed.). 1987. 'Literature' in Information Technology in the Humanities: *Tools, Techniques and Applications*, Chichester: Ellis Horwood, pp. 104-115.
- (de) Rose, Steven. "Make up Systems in the Present", *The Digital Word*, pp. 119-135.
- Sheridan, A. (translator). 1982. *Figures of Literary Discourse*. New York: Columbia University.
- Singer, Jerome L. 1981. *Daydreaming and Fantasy*. Oxford: Oxford University Press.
- States, Bert O. 1988. *The Rhetoric of Dreams*. Ithaca and Landon: Cornell University Press.
- Stielow, Frederick J. Spring 1992. "Archival Theory and Preservation of Electronic Media: Opportunities and Standards Below the Cutting Edge", *American Archivist*, 55.2, 332-343.
- TLS*, 30 April 1993.
- Van Peer, Willie. 1989. "Quantitative Studies of Literature: A Critique and an Outlook", *Computers and the Humanities*, 23, 301-307.
- Van Rees, Cees J. 1985. "Implicit Premises on Text and Reader in Genette's Study of

Narrative Mood", *Poetics*, 14, 445-464.

Varendonck, J. 1921. *The Psychology of Day-Dreams*. London: Kegan Paul.

Wooldridge, T. Russon (ed.). 1991. *A Tact Exemplar*. Toronto: Centre for Computing in the Humanities, University of Toronto.

Woolley, Benjamin. 1993. "Bill'n AI's Modern Adventure", *Sight and Sound*. 3. 2.

*Writing Space: The Computer, Hypertext, and the History of Writing*. 1992.

Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.

(de) Zepetnek, Steven Tötösy and Kreisel, Philip. 1992. "Urban English-Speaking

Canadian Literary Readership: Results of a Pilot Study", *Poetics*, 21, 211-238.

Zill, Nicholas and Winglee, Marianne. 1990. *Who Reads Literature? The Future of the United States as a Nation of Readers*. Cabin John, MD: Seven Locks Press.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی